

## شناسایی و تعیین شاخص‌های مشارکت جوانان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

دکتر محمود جمعه پور\*، دکتر علی خاکساری\*\*

**چکیده:** مشارکت در فرایند توسعه به‌عنوان یک حق شهروندی و گامی اساسی به سمت دموکراسی، در جامعه‌ی مدرن، یک ضرورت به شمار می‌رود و دستیابی به آن مستلزم شناختن دقیق شرایط، زمینه‌ها، عوامل و ساز و کار آن در شرایط مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. این تحقیق با هدف شناسایی شاخص‌های تبیین‌کننده‌ی مشارکت جوانان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به سفارش سازمان ملی جوانان، در سطح ملی و به‌صورت نمونه‌ای در هفت استان اجرا شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، دو نوع پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران و جوانان طراحی و در نهایت ۳۰ پرسش‌نامه در بین صاحب‌نظران و ۲۷۰۰ پرسش‌نامه در بین جوانان توزیع و تکمیل شد. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده تلاش شده است تا وضعیت، سطح و کیفیت کنونی مشارکت جوانان، عوامل و شرایط مشارکت و شاخص‌های تبیین‌کننده‌ی آن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق، توصیف وضع موجود مشارکت جوانان، تبیین زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری مشارکت، معرفی شاخص‌های توصیف و تبیین مشارکت جوانان در شرایط کنونی جامعه است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های فردی مانند سن، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال جوانان، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، شرایط محیط زندگی، نگرش‌ها و انگیزه‌ها، وجود نهاد و سازمان‌های جمعی و میزان دسترسی به امکانات ارتباطی با مشارکت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بنابر این می‌توان از متغیرها و شاخص‌های معرف عوامل مذکور برای تبیین مشارکت استفاده کرد.

**کلید واژه‌ها:** مشارکت جوانان، مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی و فرهنگی، شاخص‌های مشارکت

### مقدمه

موضوع مشارکت در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی امروز در سطحی گسترده مورد توجه قرار گرفته است. از منظر توسعه‌ی انسانی پایدار، مشارکت نسخه‌ی عملی دستیابی به توسعه‌ی انسانی است. در این زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی فرایندی است که هدف اصلی و

\* دانشیار برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی [mjomehpour@yahoo.com](mailto:mjomehpour@yahoo.com)

\*\* دانشیار برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

بنیادین آن قدرت بخشیدن به دامنه انتخاب مردم از طریق حضور فعال، اختیاری، ارادی و خودانگیخته آنان در ترسیم و طراحی جامعه‌ی مطلوب است، تا در این فرایند بتوانند از طریق توانمندسازی خویش و تقویت تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های جمعی همبستگی و پایداری اجتماعی، سیاسی و اکولوژیکی را نهادینه کنند. افزایش ظرفیت‌های اجتماعی و به تبع آن کاهش انزوای فردی موتور محرکه‌ی رشد و توسعه‌ی اجتماعی به شمار می‌رود (کلواسبو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵: ۹). بالا رفتن سرعت انتقال اطلاعات، دانش و آگاهی و کاربرد آسان آن زیربنای یک جامعه‌ی باز است و بسیاری از کشورها در قالب برنامه‌های توسعه‌ی مشارکت حقوق شهروندی را تقویت کرده‌اند.

در چنین فرایندی جوانان در یک جمعیت با ساختار جوان، به‌عنوان سرمایه‌ی انسانی اصلی آینده جامعه و سرمایه‌ی حیاتی<sup>۲</sup> پیوند حال و آینده (جونس و والیس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲: ۲۵). از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. هدف از مشارکت جوانان تغییر مثبت اجتماعی آنان است، به‌طوری‌که بتوان فرصت‌های اجتماعی را برای پیشرفت آنان فراهم کرد. با توجه به ابعاد مختلف مشارکت و برنامه‌ریزی، ضرورت دارد زمینه‌ها و ابعاد مشارکت جوانان از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. این مقاله برگرفته از تحقیقی در زمینه‌ی شاخص‌های تبیین‌کننده مشارکت جوانان است که در ۱۳۸۴ نویسندگان به سفارش سازمان ملی جوانان انجام دادند و در آن عوامل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشارکت جوانان بر مبنای نتایج حاصل از تحقیق پیمایشی و مطالعه میدانی در سطح ملی مورد بررسی قرار گرفت.

## طرح مسئله

مشارکت، فرایند دخالت جمعی آگاهانه در تعیین سرنوشت جامعه تلقی می‌شود. مشارکت عاملی مبتنی بر شهروندی است و تمامی فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که در سطوح محلی تا ملی بر تصمیم‌گیری و تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند (اسکاپ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲: ۲). در مفهوم‌سازی مجدد توسعه در پارادایم جدید، برای کاهش پیامدهای آسیب‌شناختی توسعه، سه فرایند مهم و شالوده‌ای مورد توجه قرار گرفته است که شامل سرمایه‌ی اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمندسازی است (زاهدی<sup>۵</sup>: ۱۳۸۲: ۲۷۴). در هر سه مفهوم یاد شده، مشارکت جوهره اصلی را تشکیل می‌دهد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که رابطه‌ی معکوسی بین آسیب‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد. چنانکه دورکیم برخورد با پدیده‌ی فردگرایی و انسجام

1. Cloesboo

3. G.Jones & C. Wallece

2. Vital capital

4. Escap

مکانیکی را که زمینه‌ساز رشد آسیب‌های اجتماعی در جامعه هستند مستلزم فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت افراد و توسعه انسجام ارگانیکی می‌داند و این نزدیک به همان چیزی است که بنتهام و فوکویاما و دیگران به افزایش و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی تعبیر کرده‌اند (توسلی ۱۳۸۲: ۱۱).

اگر مشارکت را درگیر ساختن ذهنی، فکری و جسمی آحاد جامعه در تعیین سرنوشت خویش و تغییر مطلوب آن بدانیم، در این صورت شناسایی عوامل و متغیرهای مؤثر بر آن و به‌دست آوردن معیارها و شاخص‌هایی که بتواند آن را توصیف و اندازه‌گیری کند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۶). آگاهی از عوامل و متغیرهای مؤثر بر مشارکت گروه‌های خاص، از جمله جوانان که قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و دارای آرمان‌ها و خواسته‌های ویژه‌ای هستند، می‌تواند در یافتن شاخص‌های مشارکت و هدایت این پدیده‌ی اجتماعی به طرف ایجاد جامعه‌ای مطلوب نقش مؤثری ایفا کند (جمعه‌پور، ۱۳۷۸: ۱۶). گروه جوانان که در این تحقیق افراد سنین ۱۵ تا ۲۹ سال در نظر گرفته شده‌اند، حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سنی جمعیت کشور که حدود ۱۷ سال برآورد شده است نشان‌دهنده‌ی جوان بودن جمعیت است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱).

با توجه به عوامل و متغیرهای مختلف مؤثر بر مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد، در این تحقیق سعی شده است بر اساس یک پژوهش میدانی و با در نظر گرفتن زمینه‌ها، عوامل و متغیرهای مختلف اجتماعی، سیاسی و محیطی، شاخص‌های مشارکت جوانان شناسایی و تبیین شود تا بتوان از نتایج آن در گسترش مشارکت و برنامه‌ریزی مشارکتی برای اداره‌ی جامعه استفاده کرد.

## مبانی نظری

مشارکت از موضوعاتی است که نظرات و دیدگاه‌های مختلفی در مورد آن ابراز شده است. در سال‌های اخیر چهارچوب نظری شهروندی برای تبیین مشارکت در انتقال دموکراسی جایگاه خاصی پیدا کرده است (آمی. اس،<sup>۱</sup> ۲۰۰۲: ۲). شهروندی حقی است که نقش فردی اعضای جامعه در کار مشترک را منعکس می‌کند، حقی که با اجتماعی‌شدن<sup>۲</sup> انسان، مسئولیت او را افزایش داده و منجر به تعیین حد و حدود قانونی برای دستیابی به آن شده است (مک دونالد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۶). به‌طور کلی شهروندی متأثر از دو نظریه است که در قالب نگرش لیبرال و کمونال

1. Amy, s  
3. Macdonald

2. Socialization

جای می‌گیرد و هر دو دیدگاه بر مشارکت تأکید می‌ورزند. نگرش لیبرال مبتنی بر تمرکز شهروندی بر حقوق فرد در اجتماع است. اندیشه شهروندی لیبرال عقیده‌ای را تقویت می‌کند که مردم را بخشی از هویت سیاسی و دارای حق دسترسی برابر به حقوق مدنی-سیاسی و اجتماعی می‌داند؛ حقوق این افراد متأثر از اندیشه، تفکر و عقلانیت آنهاست و مشارکت یکی از حقوق شهروندی است. نظریه کمونال در مورد شهروندی بر مسئولیت‌پذیری افراد در بطن جامعه تأکید می‌کند. در این نظریه، مشارکت افراد نتیجه‌ی احساس مسئولیت‌پذیری آنها در قبال جامعه و خواسته‌های مورد تقاضای آنهاست (آمی. اس، ۲۰۰۰: ۸). به‌طور کلی نظرات مربوط به مشارکت را می‌توان به سه رویکرد روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و سیاسی دسته‌بندی کرد.

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، عوامل مشارکت در یک طبقه‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ عواملی که به ویژگی‌های فردی مربوطند و عواملی که به سازمان یا جامعه‌ای که فرد عضوی از آن است مربوط می‌شوند. این عوامل فرد را برای برآورده‌ساختن نیازها، رسیدن به اهداف شخصی و اجتماعی، به‌دست آوردن موقعیت‌های اجتماعی و اجرای تعامل‌های اجتماعی، آماده و تحریک می‌کنند. تفاوت میان افراد از نظر مشارکت‌پذیری نیز بر اساس دو دسته نظریه‌ی کلی تبیین می‌شود؛ نظریه‌هایی که منشأ وبری دارند و در آنها بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌شود. مطابق فرض اصلی این نظریه‌ها، کنش برخاسته از وجوه فرهنگی و تحت تأثیر عناصر گوناگون آن است. لذا پنداشت کشگر در رفتار او مؤثر است. این نظریه‌ها که غالباً به‌صورت تجربی و بیشتر در حوزه‌ی روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده‌اند، متغیر بی‌قدرتی<sup>۱</sup> را به‌عنوان مهم‌ترین متغیر مورد توجه قرار داده‌اند. بی‌قدرتی به‌طور مشخص در آرای کارل مارکس، گئورگ زیمل و ماکس وبر به‌عنوان خصیصه‌ی اصلی جامعه‌ی مدرن مورد توجه قرار گرفته است. در این دیدگاه بیشتر به متغیرهایی است که در مقام متغیر مستقل، تبیین‌کننده‌های خوبی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۸).

دسته دوم نظریه‌ها بر جنبه‌ی رفتاری تأکید دارند و رفتار را بیش از آن که حاصل باورها و گرایش‌ها بدانند، نتیجه تفاوت و زیان تصور می‌کنند. برخلاف وبر، دورکیم خصوصیات کنش اجتماعی را در حالات ذهنی اشخاص جستجو نمی‌کند، بلکه آن را واقعیت‌های خارجی بیرون از اشخاص می‌داند. فرض اصلی دیدگاه این است که رفتار زمانی شکل می‌گیرد، تشبیت می‌شود و نهایتاً جنبه‌ی نهادی می‌یابد که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. به همین دلیل مشارکت هنگامی گسترش می‌یابد که منافع عینی آن بیش از تصور ذهنی فرد از هزینه‌های آن

باشد (محسنی تبریزی). از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی عواملی که باعث گرایش یا عدم گرایش نوجوانان و جوانان به مشارکت در برنامه‌های مربوط به خود می‌شود، در چهار موضوع مرتبط خلاصه می‌شوند، رشد اجتماعی، فرآیند اجتماعی‌شدن، رشد اخلاق، نیازها، انگیزه‌ها و ارزش‌ها. در جامعه‌شناسی، مشارکت مفهومی است که مخصوصاً در جامعه‌شناسی کارکردی و گرایش‌های موجود در آن مورد استفاده قرار گرفته است (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۵). یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در این زمینه، کنش اجتماعی است. کنش اجتماعی از دیدگاه پارسونز نیز رفتار انسانی است و انگیزه و راهنمای، معنایی است که کنشگر در دنیای خارج کشف می‌کند، توجهش را جلب می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۵۶). مشارکت به‌عنوان یک رفتار انسانی از رفتارهای صرفاً بازتابی متمایز می‌شود، چرا که افراد مشارکت‌کننده، برای رفتار خود معنای ذهنی مشخصی دارند و براساس این معنای ذهنی، کنش پدید می‌آید (ریترز، ۱۳۷۳: ۱۶۵). مشهورترین و مهم‌ترین نظریه در این زمینه متعلق به آیزن و فیش‌باین<sup>۱</sup> است. از نظر آنها رفتار بیشتر در حالتی قابل پیش‌بینی و درک است که ما به قصد شخص در رفتار توجه کنیم (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۷۲). اصطلاح کنش موجه به این معنی است که در اکثر رفتارها، مردم به نتایج آن فکر می‌کنند و برای حصول پاره‌ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر دست به انتخاب منطقی می‌زنند (محسنی، ۱۳۷۳: ۱۰). مشارکت یک کنش اجتماعی است و بنابراین می‌توان در توضیح و تبیین آن از نظریه‌های کنش اجتماعی بهره گرفت.

سرمایه‌ی اجتماعی از واژه‌های دیگری است که در سال‌های اخیر شاهد ورود آن به عرصه‌ی مباحث جامعه‌شناسی هستیم. این سرمایه را غالباً نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود اعتماد در بین آنها تعیین می‌کنند. با کمی تأمل در تعاریف مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی می‌توان به مفاهیم مشارکت در شبکه‌ها، بده‌بستان بین افراد<sup>۲</sup>، اعتماد<sup>۳</sup>، هنجارهای اجتماعی<sup>۴</sup>، استفاده از منابع مشترک<sup>۵</sup> و کنشگرایی<sup>۶</sup> اشاره کرد (گارسیا<sup>۷</sup>، ۱۹۷۰: ۵).

مشارکت سیاسی، یکی از جنبه‌های مهم مشارکت اجتماعی است. در زمینه‌ی مشارکت سیاسی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که از بین آنها می‌توان به نظرات رابرت دال، میلیبرات و گوئل، راش، هانتینگتون، لیپیست و دیگران اشاره کرد. رویکردهای مختلف در تبیین مشارکت سیاسی عوامل مختلف فردی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و دیگر عوامل را مورد توجه قرار داده‌اند و احتمال افزایش مشارکت سیاسی افراد را با عواملی مانند پاداش مرتبط می‌دانند (دال،

1. Ajzen and Fishbien  
3. Trust  
5. Commons  
7. Garcia, M.S

2. Reciprocity  
4. Social norms  
6. Proactively

۱۳۶۴: ۱۴۱). پژوهشگر سوئدی اولاف پیترسون (۲۰۰۱) مشارکت سیاسی را به‌عنوان «تلاش‌هایی که برای تأثیرگذاری بر جامعه صورت می‌گیرد» تعریف می‌کند. فراتر از این تعریف، لاس سیورالا (۲۰۰۰) از مشارکت جوانان به عنوان «فرایند کشف و ابراز هویت» یاد می‌کند. مطالعات گسترده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که مشارکت سیاسی از گروهی به گروه دیگر متغیر است. این تغییرات به نحو روشنی در بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و طبقاتی مختلف، سطح تحصیلات، مشاغل، جنسیت، قومیت‌ها و محل سکونت اختلاف معناداری را نشان داده است. عده‌ای مانند مارجر رابطه‌ی بین طبقه‌ی اجتماعی و مشارکت را یکی از محکم‌ترین فرضیه‌های جامعه‌شناسی سیاسی می‌دانند که با داده‌های تجربی فراوانی تأیید می‌شود (مارگر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱: ۲۷۲). آلموندو و ربا بین گرایش به مشارکت سیاسی و نوع خانوار رابطه‌ی روشنی را نشان می‌دهد (کمالی، ۱۳۷۴: ۱۶). هانتینگتون نگرش نهادی را به‌عنوان موضوع اصلی تجلی سیاسی و متغیر عمده مطالعات مربوط به دگرگونی می‌داند و بین سطح نهادینگی جامعه و مشارکت رابطه مستقیمی می‌بیند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۱۱۹). از نظر هابرماس هویت جمعی، به‌دست آوردن تصویری از مشارکت سیاسی، علایق و منافع عمومی وابسته به مشارکت در انجمن‌ها، سازمان‌های اجتماعی و گفتگو و فعالیت در آنهاست (هابرماس<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹: ۱۰۲). یکی از مباحث بنیانی مشارکت سیاسی بحث توسعه است، لوسین پای در این زمینه معتقد است که توسعه سیاسی عبارت است از تغییر وضع مردم از اطاعت‌کنندگان پر شمار به شهروندان مشارکت‌کننده در تعداد زیاد، گسترش مشارکت توده‌ها، حساسیت بیشتر به اصل برابری و پذیرش روزافزون قوانین و حقوق جهان‌شمول (بشیریه، ۱۳۷۰: ۱۳۷). میلبراث و گوئل در تبیین مشارکت، چهار عامل انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی را مهم تشخیص می‌دهند و به این عوامل مهارت‌ها و تعهد را می‌افزایند (راش، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

در این پژوهش با توجه به هدف، به جای تأکید بر روش‌های تقلیل‌گرایانه سعی شده است براساس رویه‌ای تلفیق‌گرا، ترکیبی از نظریه‌های مختلف به‌عنوان چهارچوب نظری مورد استفاده قرار گیرد تا تبیین‌کننده‌ی ابعاد مختلف مشارکت باشد. نظریه‌هایی مانند کنش اجتماعی (پارسونز)، کنش موجه (آیزن و فیش باین)، مشارکت و توسعه‌ی سیاسی (لوسین پای)، مدل اجتماعی‌شدن سیاسی (راش)، نظریه‌های روان‌شناختی و رفتاری تبیین‌کننده‌ی نگرش، انگیزش و رفتار افراد (آتکینسون و دیگران) بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

**اهداف پژوهش:** شناسایی شاخص‌های مشارکت جوانان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تعیین عوامل و متغیرهای سازنده‌ی این شاخص‌ها به‌عنوان معیار اندازه‌گیری نوع، سطح و کیفیت مشارکت و شناخت ویژگی‌های مشارکت برای برنامه‌ریزی و هدایت این پدیده‌ی اجتماعی، در جهت مطلوب.

### سؤالات پژوهش

- چه شاخص‌هایی مشارکت جوانان را تبیین می‌کنند؟
- شاخص‌های مختلف در تبیین مشارکت جوانان چه سهمی دارند؟
- چه تفاوتی بین وزن و سهم شاخص‌های مختلف در تبیین مشارکت وجود دارد؟

### روش‌شناسی پژوهش

**روش پژوهش:** روش پژوهش به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی مبتنی بر برقراری روابط منطقی میان متغیرهای مستقل و مشارکت به‌عنوان متغیر وابسته است. بدین منظور عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و سیاسی به همراه ویژگی‌های فردی و مکانی به‌عنوان متغیرهای مستقل شناسایی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت جوانان و شاخص‌های مشارکت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. مدل مفهومی پژوهش نیز بر این پیش فرض استوار است که مشارکت جوانان با توجه به عوامل و شاخص‌های مختلفی تبیین می‌شود. بنابراین وضع موجود جامعه‌ی هدف برای شناسایی سطح و میزان مشارکت جوانان براساس مؤلفه‌های مختلف زیر مورد سنجش قرار گرفته‌اند:

الف) ویژگی‌های فردی، که براساس متغیرهای مختلفی مانند: سن، جنس، وضع سواد، میزان تحصیلات و... مورد سنجش قرار گرفته است.

ب) پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده، که بر اساس شاخص‌های مختلفی همچون شغل و میزان درآمد والدین، میزان تحصیلات و نوع شغل والدین و ... مورد سنجش قرار گرفته است.

ج) متغیرهای تعیین‌کننده وضع موجود مشارکت و فعالیت گروهی جوانان که با عنوان عامل انسجام اجتماعی تعریف شده است و متغیرهایی همچون عضویت و فعالیت در گروه‌ها، تشکل‌ها، احزاب و سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی، شرکت و فعالیت در برگزاری مراسم و آیین‌های ملی، مذهبی و ... اندازه‌گیری شده‌اند.

د) سازمان اجتماعی که بر اساس متغیرهایی همچون نوع خانواده، وجود یا عدم وجود تشکل‌های گروهی در زمینه‌های مختلف و میزان اقبال آنها مورد سنجش قرار گرفته است.

ه) سطح آگاهی اجتماعی جوانان که بر اساس متغیرهایی مانند میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، کتاب، اینترنت و میزان استفاده از امکانات مذکور مورد سنجش قرار گرفته است.

و) متغیرهای معرف انگیزش و نگرش گروه هدف در مورد مشارکت بر اساس عواملی همچون پذیرش مسئولیت، کمک به دیگران، کسب قدرت، ابراز وجود و ... متغیرهایی که معرف عوامل فوق باشند مورد سنجش قرار گرفته است.

برای بررسی وضع موجود و سنجش میزان مشارکت جامعه‌ی هدف و تبیین عوامل مؤثر بر آن، هر یک از عوامل مورد نظر بر اساس مجموعه‌ای از متغیرها و هر یک از متغیرها بر اساس مجموعه‌ای از گویه‌ها در دو سطح صاحب‌نظران و گروه هدف مورد پرسش قرار گرفته‌اند و نتایج کسب شده در دو سطح توصیفی و تحلیل روابط بین عوامل و متغیرها بررسی شده‌اند.

- **جامعه‌ی آماری:** جامعه‌ی آماری مورد نظر در این تحقیق جامعه‌ی جوانان کشور است. طبق تعاریف، جوانی به مرحله‌ی تثبیت تغییرات دوران نوجوانی گفته می‌شود که عمدتاً نظریه‌پردازان سنین بین ۱۸ تا ۲۸ سالگی و حتی بالاتر را در نظر می‌گیرند (قائمی، ۱۳۶۴). در این تحقیق افراد بین ۱۵ تا ۲۹ سال به‌عنوان گروه جوانان تعریف شده‌اند.

- **حجم نمونه و روش نمونه‌گیری:** در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای غیر نسبی استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا با در نظر داشتن متغیرهای جغرافیایی، سهم جمعیتی، نسبت جمعیت شهری و روستایی، قومی و فرهنگی، حدود ۲۵ درصد از استان‌ها با سهم جمعیتی در همین حد به نسبت کل کشور، به‌عنوان محدوده‌ی مطالعه انتخاب شده است. بر این اساس استان‌های تهران، خراسان، همدان، آذربایجان شرقی، خوزستان، سمنان و گلستان به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه‌ی هر استان به نسبت وزن جمعیت آنها انتخاب شده است. بر این اساس حجم کل نمونه ۲۶۸۸ به‌دست می‌آید که به ۲۷۰۰ مورد افزایش یافته است. با توجه به جمعیت متفاوت استان‌های نمونه، حجم افراد نمونه برای هر استان بر اساس سهم جمعیتی آن مشخص شده است. پرسش‌نامه‌ها فقط در نقاط شهری هر استان به این شرح تکمیل شدند: آذربایجان شرقی ۳۴۰ پرسش‌نامه، تهران ۱۰۵۰، خراسان ۵۸۰، خوزستان ۳۸۰، سمنان ۵۰، گلستان ۱۴۰ و همدان ۱۶۰ پرسش‌نامه.

- **ابزار اندازه‌گیری:** ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش چه برای مصاحبه با صاحب‌نظران و چه برای عامه مردم پرسش‌نامه بوده است. با توجه به عوامل مختلف مؤثر بر مشارکت (ویژگی‌های



فردی و روانی، خانواده، عوامل اجتماعی و ...) ابتدا براساس شرایط اجتماعی جامعه شاخص متغیرهای مناسب تعریف و سپس با ارزیابی نظرات صاحب‌نظران و سنجش میدانی متغیرها و شاخص‌ها، اعتبار آنها اندازه‌گیری شد.

پرسش‌نامه‌های مورد استفاده شامل دو پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران و جوانان بود که برای سنجش پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران دیدگاه‌های کارشناسان و اعتبار محتوایی، برای سنجش قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه جوانان از آزمون آلفای کرانباخ و برای سنجش اعتبار آن از نظر کارشناسان و سنجش همبستگی درونی سؤال‌های پرسش‌نامه استفاده شده است (بازرگان، ۱۳۸۲: ۱۶۹). برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسش‌نامه‌های مذکور به شرح ذیل استفاده شده است:

۱- پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران: هدف این پرسش‌نامه استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران برای تدوین پرسش‌نامه‌ی اصلی جوانان بود که به روش دلفی توسط ۳۰ نفر از صاحب‌نظران، از جمله استادان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه‌های علامه طباطبایی، تربیت مدرس و تهران، کارشناسان ارشد و مدیران سازمان جوانان، بهزیستی و جهاد کشاورزی تکمیل شد. در این پرسش‌نامه براساس مطالعات و الگوی نظری تعریف شده برای تبیین مشارکت جوانان، مجموعه‌ای از عوامل تبیین‌کننده‌ی مشارکت و متغیرهای معرف آن عوامل تدوین و از صاحب‌نظران خواسته شده تا وزن و اهمیت هر عامل یا متغیرهای سازنده‌ی هر عامل را بر مبنای یک مقیاس پیوستاری مشخص کنند و علاوه بر عوامل و متغیرهای ذکر شده در پرسش‌نامه، عوامل یا متغیرهای دیگری را که برای تعریف و تبیین مشارکت جوانان مهم می‌دانند، با ذکر وزن و درجه‌ی اهمیت پیشنهاد کنند.

۲- پرسش‌نامه‌ی جوانان: این پرسش‌نامه مشتمل بر ۵۲ سؤال کلی با گویه‌های متعدد بود که برای سنجش وضع موجود مشارکت جوانان و ارزیابی متغیرها، مؤلفه‌ها و مصادیق مشارکت جوانان در سطح نمونه تکمیل شد و برای تعریف شاخص‌های مشارکت جوانان مورد استفاده قرار گرفت.

- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: پرسش‌نامه‌های تکمیل شده پس از استخراج و بازبینی به نرم‌افزار SPSS انتقال یافتند، و پایگاه اطلاعاتی مربوط تشکیل شد. آنگاه برحسب نوع و مشخصات داده‌های جمع‌آوری شده، ابتدا بررسی‌های توصیفی انجام گرفت و سپس به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداختیم. بدین منظور روابط منطقی میان دو گروه از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (میزان مشارکت) به‌صورت رتبه‌ای یا ترتیبی مورد سنجش قرار گرفت و با تشکیل جداول توافقی دو طرفه و بهره‌گیری از آمار ناپارامتری فرضیه‌ها آزمون شدند. برای آزمون

فرضیه‌ها از روش‌های آماری مختلفی همچون آزمون همبستگی اسپیرمن و «کندال» برای نوع اول، آزمون‌های «کای دو»، برای نوع دوم و همچنین از آزمون‌های محاسبه‌کننده‌ی میانگین رتبه‌ای استفاده شده است.

بررسی نتایج پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران: در این پرسش‌نامه شش گروه از متغیرها یا شش عاملی که بر اساس متغیرها و شاخص‌های مختلف تعریف می‌شوند، گنجانده شده‌اند. برای هر یک از عامل‌ها یا متغیرهای کلی و همچنین متغیرهای جزئی مندرج در پرسش‌نامه، پیوستاری از نمره ۱ تا ۱۰ در نظر گرفته شد. از صاحب‌نظران خواسته شده بود برای شاخص‌های پیشنهادی بر اساس درجه اهمیتی که برای آنها قایل هستند نمره‌ای بین ۱ تا ۱۰ اعلام کنند. همچنین در پایان هر یک از عامل‌ها و شاخص‌های تبیین‌کننده‌ی آن، از صاحب‌نظران درخواست شده بود شاخص‌های دیگری را که باید به فهرست اضافه شود ذکر کنند و نمره‌ی مورد نظر برای شاخص پیشنهادی را نیز بنویسند. در اینجا از شش عامل یا گروه متغیرهایی که در پرسش‌نامه صاحب‌نظران به‌عنوان عوامل و شاخص‌های اصلی تبیین‌کننده‌ی مشارکت جوانان گنجانده شده بود، برای رعایت اختصار به چهار عامل اشاره می‌شود:

۱- ویژگی‌های فردی مشارکت‌جو: بسیاری از نظرات مربوط به مشارکت ویژگی‌های فردی را یکی از مولفه‌های اصلی مشارکت به شمار می‌آورند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۵). هر چند ویژگی‌های فردی بسته به نوع مشارکت و محیط مشارکت می‌تواند اهمیت و وزن متفاوتی داشته باشد، تأثیر آنها بر مشارکت تقریباً مورد تأکید اغلب نظریه‌پردازان این حوزه است. براساس این نظرات موقعیت و وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد، مانند جنسیت، سن، تحصیل و درآمد، تعیین‌کننده‌ی میزان مشارکت آنان در فعالیتهای سیاسی است. چنانکه مایکل راش و میلبراث معتقدند متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی نیازمند زمینه‌های قبلی، برای تعامل هستند، (میلبراث<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷: ۱۲۸) و زمینه‌های قبلی را به‌عنوان «سرنوشت ادراکی مشارکت سیاسی» تعبیر می‌کنند (راش، ۱۳۸۰: ۱۳۶). بر همین اساس مجموعه‌ای از متغیرهای مشخص‌کننده‌ی ویژگی‌های شخصی مانند: سن، جنس، محل تولد، وضع سواد و میزان تحصیلات با عنوان عامل ویژگی‌های فردی در پرسش‌نامه آمده است.

۲- پایگاه اقتصادی و اجتماعی مشارکت‌جو: به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان مشارکت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد مشارکت‌جو نقش مهمی در مشارکت یا عدم مشارکت وی در فعالیتهای مختلف دارد (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۵). در این عامل با توجه به سن افراد مورد بررسی که گروه سنی ۱۵-۲۹ سال را شامل می‌شود و اغلب آنها تحت پوشش خانواده و والدین خود

هستند، پایگاه اجتماعی و اقتصادی براساس پایگاه خانواده و والدین تعریف شده است. بنابراین متغیرهایی همچون شغل و میزان درآمد والدین، نوع شغل و میزان تحصیلات آنها به‌عنوان شاخص‌های تعیین پایگاه اجتماعی و اقتصادی تعریف شده است.

۳- عامل وضع موجود مشارکت جوانان: مجموعه‌ای از متغیرهایی که نشان‌دهنده‌ی وضع موجود مشارکت جوانان در زمینه‌های مختلف بوده‌اند مانند عضویت در گروه‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های مختلف، میزان فعالیت و نوع همکاری با این گروه‌ها و تشکل‌ها، همچنین شرکت یا عدم شرکت در مراسم و آیین‌های جمعی ملی و مذهبی به‌عنوان شاخص‌های تبیین‌کننده‌ی وضعیت موجود مشارکت جوانان و معرف متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

۴- میزان آگاهی اجتماعی فرد مشارکت‌جو: میزان آگاهی فرد از مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عامل مهمی در میزان مشارکت یا عدم مشارکت او در فعالیت‌های مختلف به شمار می‌آید. میزان آگاهی براساس متغیرهای مختلف قابل اندازه‌گیری است و با توجه به شاخص‌های مختلفی بیان می‌شود. در اینجا متغیرهایی مانند میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات و وسایل ارتباطی و منابع اطلاعاتی جدیدی همچون اینترنت و میزان استفاده از این امکانات به‌عنوان متغیرهای معرف عامل آگاهی اجتماعی آورده شده‌اند.

## یافته‌ها

۱- بررسی نظرات در مورد عامل ویژگی‌های فردی: نتایج بررسی پرسش‌نامه‌های تکمیل شده توسط صاحب‌نظران نشان می‌دهد که تقریباً تمامی افرادی که مورد سؤال قرار گرفته‌اند بر نقش متغیرهای معرف ویژگی‌های فردی به‌عنوان عوامل مؤثر در سطح و میزان مشارکت تأکید کرده‌اند. با توجه به مجموعه پاسخ‌های داده شده، متوسط وزنی که برای عامل ویژگی‌های فردی به‌دست آمده ۶/۴۵ بوده که نشان‌دهنده‌ی اهمیت بیش از حد متوسط این عامل در مشارکت است. از مجموع افرادی که مورد سؤال واقع شده‌اند، حدود ۷۱/۵ درصد به متغیرهای مربوط به ویژگی‌های فردی به‌صورت جداگانه وزن داده‌اند. جدول شماره‌ی (۱).

یکی از عوامل مهم اجتماعی اثرگذار در میزان مشارکت، میزان تحصیلات است. مطالعات متعدد نشان می‌دهند که هر چه میزان تحصیلات افراد بالاتر رود میزان مشارکت سیاسی آنها افزایش می‌یابد. رابرت دال نشان می‌دهد که هر چه میزان تحصیلات افراد بالا می‌رود میزان احساس اثربخشی سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد و به‌طور غیرمستقیم در مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد (راش، ۱۳۸۰: ۱۳۳). همچنین میزان تحصیلات در میزان دسترسی افراد به اطلاعات اثر می‌گذارد و این امر زمینه مساعدتری برای مشارکت ایجاد می‌کند.

جدول شماره ۱: متوسط وزن هر یک از ویژگی‌های فردی و متغیرهای معرف پایگاه اجتماعی و اقتصادی مشارکت جو در پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران (منبع: یافته‌های پژوهش)

ردیف	متغیر ویژگی‌های فردی	وزن متوسط شاخص	متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی	وزن متوسط شاخص
۱	سن	۶	شغل والدین	۵/۷۵
۲	جنس	۳/۵	میزان درآمد والدین	۶/۲۵
۳	محل تولد(شهر/روستا)	۴/۷۵	میزان تحصیلات والدین	۶
۴	وضع سواد	۷/۷۵	وضعیت شغلی مشارکت‌جو	۵/۷۵
۵	میزان تحصیلات	۸/۵	نوع شغل مشارکت‌جو	۶
			میزان درآمد مشارکت‌جو	۷/۵

۲- بررسی نظرات مربوط به پایگاه اجتماعی و اقتصادی: پایگاه اجتماعی و اقتصادی یکی از متغیرهای مهم در مشارکت به شمار می‌رود که در بسیاری از نظریه‌های تبیین‌کننده‌ی مشارکت به آن توجه شده است. با توجه به گروه مورد بررسی، در تعیین پایگاه اجتماعی و اقتصادی وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین مورد توجه قرار گرفته و این‌گونه فرض شده است که براساس متغیرهای نشان‌دهنده‌ی وضعیت اجتماعی والدین، تا حدود زیادی پایگاه اجتماعی و اقتصادی جوانان مشخص می‌شود. متغیرهای شغل، میزان درآمد و میزان تحصیل والدین برای این منظور پیشنهاد شده است. همچنین وضعیت شغلی، نوع شغل و میزان درآمد خود مشارکت‌جو نیز به‌عنوان متغیرهای تعیین‌کننده‌ی پایگاه اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. نتایج بررسی پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران نشان می‌دهد تقریباً تمامی افرادی که مورد سؤال قرار گرفته‌اند بر نقش متغیرهای معرف پایگاه اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان عوامل مؤثر در سطح و میزان مشارکت تأکید کرده‌اند. با توجه به مجموعه پاسخ‌های داده شده، متوسط وزنی که برای عامل ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی به‌دست آمده حدود ۷ بوده است که نشان‌دهنده‌ی اهمیت نسبتاً بالای این عامل در مشارکت است. از مجموع افرادی که مورد سؤال واقع شده‌اند، حدود ۸۵ درصد به متغیرهای مربوط به پایگاه اجتماعی و اقتصادی به‌صورت جداگانه وزن داده‌اند (جدول شماره ۱).

۳- بررسی نظرات مربوط به وضع موجود مشارکت جوانان: با توجه به اینکه وجود مشارکت نشان‌دهنده‌ی سطح همکاری و توافق اجتماعی است، در این بررسی، متغیرهایی که نشان‌دهنده‌ی وضع موجود مشارکت در سطح جامعه هستند، عامل انسجام اجتماعی نامگذاری شدند. بسیاری از صاحب‌نظران اجتماعی و برنامه‌ریزی مشارکتی نیز بر این عقیده هستند که هر چه سطح مشارکت بالاتر باشد، جامعه از همبستگی و انسجام بالاتری برخوردار بوده و از درجه دمکراسی بالاتری نیز برخوردار است که با پایداری و انسجام آن رابطه‌ای مستقیم دارد

(آلن بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). در این بررسی مجموعه‌ای از متغیرها که نشان‌دهنده‌ی مشارکت، عضویت و فعالیت افراد در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و بر اساس آن می‌توان به وضعیت موجود مشارکت در سطح جامعه پی‌برد، تحت عنوان عامل انسجام اجتماعی آمده است.

با توجه به گروه مورد بررسی متغیرهای عضویت در گروه‌ها، تشکل‌ها، انجمن‌ها و ...، فعالیت در گروه‌ها، تشکل‌ها، انجمن‌ها و ...، مشارکت در راه‌اندازی گروه‌ها، انجمن‌ها، و ...، شرکت در مراسم و آیین‌های ملی و مذهبی و مشارکت در برگزاری مراسم آیینی، ملی و مذهبی تحت عنوان متغیرها و شاخص‌های عامل انسجام اجتماعی آورده شده است. همچنین این متغیرها به‌عنوان متغیر وابسته و نشان‌دهنده‌ی وضع موجود مشارکت مورد استفاده قرار گرفته است. فرض بر این بوده است که هرچه سطح مشارکت و فعالیت در تشکل‌ها، گروه‌ها، انجمن‌ها و ... و شرکت در برگزاری مراسم و آیین‌ها بیشتر باشد جامعه از سطح مشارکت و انسجام اجتماعی بالاتری برخوردار است.

نتایج بررسی پرسش‌نامه‌ی صاحب‌نظران نشان می‌دهد که تقریباً تمامی افرادی که مورد سؤال قرار گرفته‌اند بر نقش متغیرهای توصیف‌کننده‌ی وضع مشارکت در عامل انسجام اجتماعی تأکید کرده‌اند. متوسط وزنی که برای عامل انسجام اجتماعی به‌دست آمده است حدود ۶/۳ بوده است که نشان‌دهنده‌ی اهمیت نسبتاً بالای این عامل در مشارکت می‌باشد. از مجموع افرادی که مورد سؤال واقع شده‌اند، حدود ۸۵ درصد به متغیرهای مربوط به انسجام اجتماعی به‌صورت جداگانه وزن داده‌اند. (جدول شماره‌ی ۲)

**۴- بررسی نظرات در مورد عامل آگاهی اجتماعی:** سطح آگاهی اجتماعی افراد از جمله مسائلی است که بسیاری از صاحب‌نظران بر نقش مؤثر آن در مشارکت افراد در فعالیت‌های مختلف تأکید داشته‌اند. با توجه به اینکه یکی از شروط اصلی مشارکت داوطلبانه و پایدار، شرکت افراد براساس شناخت و آگاهی می‌باشد، اغلب صاحب‌نظران رابطه‌ای قوی میان سطح آگاهی و شعور اجتماعی افراد و سطح مشارکت‌های فردی و اجتماعی قایل هستند (Dowse 1979:290). متغیرهایی که نشان‌دهنده‌ی دسترسی به اطلاعات و ارتباط اجتماعی قوی می‌باشند در این بررسی تحت عنوان عامل آگاهی اجتماعی نام‌گذاری شده‌اند، که شامل متغیرهای میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، میزان دسترسی به مطبوعات از جمله روزنامه و مجلات، میزان دسترسی به اینترنت، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون، مدت زمان مطالعه مطبوعات و مدت استفاده از اینترنت می‌شود.

جدول شماره ۲: متوسط وزن داده شده به هر یک از متغیرهای معرف وضع موجود مشارکت جوانان و متغیرهای معرف آگاهی اجتماعی توسط صاحب نظران (منبع: یافته‌های پژوهش)

ردیف	متغیرهای معرف وضع موجود مشارکت جوانان	وزن متوسط شاخص	متغیرهای معرف آگاهی اجتماعی	وزن متوسط شاخص
۱	عضویت در گروه‌ها، تشکل‌ها، انجمن‌ها و ...	۵/۷۵	میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی	۸
۲	فعالیت در گروه‌ها، تشکل‌ها، انجمن‌ها و ...	۶/۷۵	میزان دسترسی به مطبوعات	۸
۳	مشارکت در راه‌اندازی گروه، انجمن و ...	۶/۲۵	میزان دسترسی به اینترنت	۷/۷
۴	شرکت در مراسم و آیین‌های جمعی	۵/۵	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۷/۷
۵	شرکت در برگزاری مراسم و آیین‌های جمعی	۵	مدت زمان مطالعه مطبوعات	۸
۶	-	-	مدت زمان استفاده از اینترنت	۶/۷

در این بررسی فرض بر این بوده است که بین میزان دسترسی به امکانات ارتباطی، نظیر وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات و میزان استفاده از این وسایل و امکانات یا رواج آنها در زندگی اجتماعی با سطح مشارکت فردی و اجتماعی افراد در زمینه‌های مختلف رابطه وجود دارد و در تدوین شاخص‌های مشارکت جوانان به این عامل باید توجه شود. نتایج بررسی پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد تقریباً تمامی افرادی که مورد سؤال قرار گرفته‌اند بر نقش عامل آگاهی فردی و اجتماعی و متغیرهایی مانند دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و میزان استفاده از آنها در مشارکت تأکید کرده‌اند. با توجه به مجموعه پاسخ‌های داده شده، متوسط وزنی که برای عامل آگاهی اجتماعی به دست آمده حدود ۷/۶۵ بوده که نشان‌دهنده اهمیت بالای این عامل در مشارکت است. از مجموع افرادی که مورد سؤال واقع شده‌اند، حدود ۷۵ درصد به متغیرهای مربوط به آگاهی اجتماعی به صورت جداگانه وزن داده‌اند. (جدول شماره ۲)

### جمع‌بندی نظرات صاحب‌نظران در مورد عوامل و متغیرهای مشارکت جوانان

بررسی پرسش‌نامه‌های صاحب‌نظران در مورد عوامل و متغیرهای مشارکت نشان می‌دهد که اغلب صاحب‌نظران عوامل و متغیرهای پیشنهادی را مورد تأیید قرار داده‌اند و در برخی از موارد، متغیرهایی برای تعریف دقیق‌تر عوامل معرفی شده پیشنهاد داده‌اند. خلاصه امتیازی که صاحب‌نظران به عوامل پیشنهادی مربوط به مشارکت بر اساس نمره ۱ تا ۱۰ داده‌اند در جدول شماره ۳ آمده است. چنان‌که ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهند، تمامی عوامل پیشنهادی به‌عنوان عوامل تبیین‌کننده مشارکت، نمره بالاتر از حد متوسط گرفته‌اند و بنابراین می‌توان به‌عنوان عوامل اصلی در تبیین مشارکت جوانان به آن توجه کرد. بالاترین نمره متوسط ۷/۶۵ برای عامل آگاهی‌های اجتماعی و پایین‌ترین نمره متوسط ۶/۳ برای عامل انسجام اجتماعی است. بیشترین دامنه اختلاف در نمره‌ها به عامل انسجام اجتماعی مربوط بوده است به‌طوری‌که بالاترین نمره آن ۹ و پایین‌ترین نمره ۳ بوده است و نشان‌دهنده تفاوت دیدگاه صاحب‌نظران در مورد وزن و اهمیت این عامل در مشارکت است. کمترین دامنه‌ی نوسان در نمرات داده شده نیز به عامل آگاهی اجتماعی مربوط می‌شود که بالاترین نمره آن ۸ و پایین‌ترین نمره ۷ بوده است و نشان می‌دهد که صاحب‌نظران در مورد وزن این عامل اتفاق نظر بیشتری داشته‌اند.

جدول شماره ۳: متوسط، بالاترین و پایین‌ترین وزن داده شده به عوامل مشارکت توسط صاحب‌نظران (منبع: یافته‌های پژوهش)

ردیف	عامل مشارکت	متوسط وزن پیشنهادی	بالاترین وزن پیشنهادی	پایین‌ترین وزن پیشنهادی
۱	ویژگی‌های فردی	۶/۴۵	۷	۴
۲	پایگاه اجتماعی و اقتصادی	۷	۸	۶
۳	انسجام اجتماعی	۶/۳	۹	۳
۴	آگاهی اجتماعی	۷/۶۵	۸	۷

با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران در مورد عوامل و متغیرهای مؤثر بر مشارکت جوانان و بررسی‌های نظری، پرسش‌نامه‌ی اصلی این تحقیق که به ارزیابی وضع موجود مشارکت جوانان و سنجش عوامل و متغیرهای مشارکت آنان می‌پردازد تهیه، تنظیم و بازنگری شده است.

### بررسی نتایج پرسش‌نامه‌ی مشارکت جوانان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی:

پس از استخراج داده‌ها و توصیف و گروه‌بندی آنها برای تبیین مشارکت جوانان و تعیین شاخص‌های مهم‌تر براساس اطلاعات به‌دست آمده، رابطه‌ی بین مشارکت جوانان به‌عنوان

متغیر وابسته، با عوامل و متغیرهای مؤثر بر مشارکت که در این مطالعه متغیرهای مستقل تعریف شده‌اند مورد آزمون قرار گرفت. آزمون فرضیه‌های تحقیق برای بررسی رابطه‌ی بین مشارکت جوانان به‌عنوان متغیر وابسته و عوامل و متغیرهای مستقل مشارکت به شرح زیر بوده است.

آزمون رابطه بین مشارکت و ویژگی‌های فردی:

۱- رابطه بین متغیر سن و مشارکت جوانان: با توجه به اندازه‌های محاسبه شده نشان‌دهنده‌ی رابطه بین دو متغیر سن و مشارکت است و کای اسکویئر با درجه آزادی  $DF = 12$  برابر با  $\chi^2 = 60/337$  به دست آمده است که با خطای کمتر از  $(0/05)$  اندازه کای محاسبه شده از  $(\chi^2)$  جدول بزرگ‌تر و در سطح معناداری قرار دارد. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان رابطه بین مشارکت و سن را پذیرفت. همچنین میزان همبستگی بین دو متغیر براساس آزمون کندال تاو b ضریب  $0/102$  را نشان می‌دهد که بیانگر وجود رابطه مستقیم و ضعیفی بین مشارکت و سن است. همچنین F به دست آمده  $24/485$  در جدول با خطای  $0/05$  معنادار است، بنابراین بین گروه‌های مختلف سنی تفاوت وجود دارد.

براساس آزمون LSD، بین گروه‌های سنی ۱۹-۱۵ سال، با دو گروه دیگر تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی مشارکت در این گروه سنی از دو گروه دیگر کمتر است. همچنین بین گروه سنی ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ ساله تفاوت میانگین معنادار وجود ندارد، بنابراین میزان مشارکت در این دو گروه تفاوت زیادی ندارد.

۲- آزمون رابطه بین متغیر جنس و مشارکت جوانان: با توجه به Eta به دست آمده، که حدود  $0/05$  است و به دلیل نزدیک بودن آن به صفر، رابطه بسیار ضعیفی بین مشارکت و جنس برقرار است و در واقع متغیر جنسیت تأثیر چندانی در مشارکت نداشته است. آزمون F در رابطه بین مشارکت و جنسیت، با در نظر گرفتن خطایی کمتر از  $0/05$  به دلیل اینکه f در ناحیه بحرانی قرار ندارد، میزان مشارکت در بین زنان و مردان تفاوت چندانی نداشته است.

۳- آزمون رابطه بین متغیر وضعیت شغلی و مشارکت جوانان: آزمون رابطه بین وضعیت شغلی و مشارکت جوانان نشان می‌دهد که Eta به دست آمده  $(0/13)$ ، به صفر نزدیک است و در نتیجه رابطه مثبت اما ضعیفی بین دو متغیر مشارکت و وضعیت شغلی وجود دارد. همچنین آزمون F نشان می‌دهد که وضعیت شغلی، شاغل و غیرشاغل بودن در میزان مشارکت تأثیر دارد.

۴- آزمون رابطه بین متغیر وضعیت تحصیلی و مشارکت جوانان: آزمون رابطه بین وضعیت شغلی و مشارکت جوانان نشان می‌دهد که Eta به دست آمده  $(0/215)$  است و به دلیل اینکه ضریب به دست آمده به اندازه کافی بزرگ است، رابطه بین دو متغیر مشارکت و مقاطع مختلف



تحصیلی تأیید می‌شود. همچنین  $F$  به دست آمده  $۲۶/۱۹۴$  با خطای  $۰/۰۵$ ، بزرگ‌تر از اندازه آن در جدول  $F$  و معنادار است. بنابراین بین هر یک از گروه‌ها و مقاطع تحصیلی با مشارکت تفاوت معناداری وجود دارد.

آزمون رابطه بین مشارکت جوانان و عامل پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد: عامل پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد شامل مجموعه‌ای از متغیرها و گویه‌های معرف پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده جوانان است. آزمون کای اسکویر  $X^2$  با درجه آزادی  $df=۱۶$  برابر با  $X=۳۵/۸۰۱$  به دست آمده است که با خطای کمتر از  $۰/۰۱$  اندازه کای اسکویر محاسبه شده از  $X^2$  جدول بزرگ‌تر است و در نتیجه رابطه بین مشارکت جوانان و پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده آنها در سطح معناداری قرار دارد. بنابراین با  $۹۹$  درصد اطمینان می‌توان رابطه بین مشارکت جوانان و پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های آنان را پذیرفت.

آزمون رابطه بین مشارکت جوانان و میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی: با توجه به اندازه نسبت‌های بین متغیر مشارکت و میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، آزمون کای اسکویر  $X^2$  با درجه آزادی  $df=۴$  برابر با  $X=۲۶/۷۴۶$  به دست آمده است که با خطای کمتر از  $۰/۰۱$  اندازه کای اسکویر محاسبه شده از  $X^2$  جدول بزرگ‌تر است. بنابراین رابطه‌ی بین مشارکت جوانان و میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی در سطح معناداری قرار دارد. پس با  $۹۹$  درصد اطمینان می‌توان رابطه بین مشارکت جوانان و میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی را پذیرفت. همچنین میزان همبستگی بین دو متغیر براساس آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تاو  $b$  ضریب  $۰/۹۹$  را نشان می‌دهد که بیانگر مساعد بودن رابطه‌ی دو متغیر و وجود رابطه معنادار بین مشارکت جوانان و میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی است.

آزمون رابطه بین مشارکت جوانان و محیط کلی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی): متغیر وضعیت محیط براساس مجموعه متغیرها و گویه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌عنوان محیط کل مورد سنجش قرار گرفت و بر اساس یک طیف پنج قسمتی از نامساعد تا خیلی مساعد طبقه‌بندی شد. با توجه به نسبت‌های محاسبه شده بین دو متغیر محیط و مشارکت، آزمون کای اسکویر  $X^2$  با درجه آزادی  $df=۸$  برابر با  $X=۱۵/۹۵۹$  به دست آمده است که با خطای کمتر از  $۰/۰۵$  اندازه کای اسکویر محاسبه شده از  $X^2$  جدول بزرگ‌تر است. بنابراین بین مشارکت جوانان و محیط رابطه معناداری وجود دارد. پس با  $۹۵$  درصد اطمینان فرض وجود رابطه بین مشارکت جوانان و محیط پذیرفته می‌شود. همچنین میزان همبستگی بین دو متغیر براساس آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تاو  $b$  ضریب  $۰/۱۶$  را نشان می‌دهد که بیانگر رابطه معنادار و مستقیم بین مشارکت جوانان و محیط کل است.

آزمون رابطه بین متغیر وابسته مشارکت جوانان و امکانات اجتماعی و فرهنگی: آزمون کای اسکویر برای تعیین رابطه دو متغیر محاسبه شده است. آزمون کای اسکویر  $X^2$  با درجه آزادی  $df=16$  برابر با  $X=67/307$  به دست آمده است که با خطای کمتر از  $0/01$  اندازه کای اسکویر محاسبه شده از  $X^2$  جدول بزرگ تر است. بنابراین بین مشارکت جوانان و امکانات اجتماعی و فرهنگی رابطه معنادار و نسبتاً قوی وجود دارد. پس با ۹۹ درصد اطمینان فرض وجود رابطه بین مشارکت جوانان و امکانات اجتماعی و فرهنگی پذیرفته می شود. همچنین میزان همبستگی بین دو متغیر براساس آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال تاو  $b$  ضریب  $0/05$  را نشان می دهد که بیانگر رابطه معنادار و مستقیم بین مشارکت جوانان و امکانات اجتماعی و فرهنگی است. بر این اساس هر چه امکانات اجتماعی و فرهنگی جامعه گسترش یابد، میزان مشارکت جوانان در ابعاد مختلف بیشتر می شود.

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به هدف این پژوهش که بررسی، شناسایی و تدوین شاخص های مشارکت جوانان در فعالیت های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است و براساس تجزیه و تحلیل اطلاعات، نتایج زیر به دست آمده است:

۱- اکثر جوانان مشارکت جمعی و فعالیت گروهی یا به عبارت دیگر مشارکت در زمینه یا زمینه های مختلف را تجربه کرده اند. ولی تفاوت معناداری بین مشارکت در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وجود دارد. سطح مشارکت جوانان در زمینه های مختلف براساس میزان برخورداری از امکانات و شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متفاوت بوده است.

۲- مشارکت جوانان از نظر نوع مشارکت سازمان یافته، هدفمند و پایدار یا مشارکت لحظه ای و موردی نیز تفاوت معناداری را نشان می دهد و به رغم بالابودن سطح کلی مشارکت، سطح مشارکت سازمان یافته و پایدار بسیار پایین است.

۳- سطوح و جهت رابطه ی هر یک از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت جوانان با توجه به عوامل و ویژگی های فردی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و ویژگی های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوت است.

۴- بررسی رابطه بین مشارکت جوانان و ویژگی های فردی نشان می دهد که بین متغیرهای جنس و وضعیت تأهل و مشارکت جوانان رابطه معناداری وجود ندارد. ولی بین متغیرهای فردی سن، وضعیت شغلی و وضعیت تحصیلی رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد. از نظر ویژگی سنی با افزایش سن سطح مشارکت افزایش یافته و در طیف سنی جوانان، گروه های سنی بالاتر سطح بالاتری از مشارکت را نشان می دهند. بین متغیر اشتغال و مشارکت جوانان

نیز رابطه مستقیم و ضعیفی وجود داشته است که با افزایش سن این رابطه قوی‌تر می‌شود. از نظر وضعیت تحصیلی نیز رابطه‌ای مستقیم میان سطح تحصیلات و مشارکت جوانان وجود دارد. بنابراین در مورد ویژگی‌های فردی می‌توان این شاخص‌ها را برای تبیین مشارکت جوانان پیشنهاد کرد: شاخص نسبت سنی و شاخص میانگین سنی جوانان، شاخص نرخ اشتغال و شاخص میانگین سال‌های تحصیل.

۵- با توجه به وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین مشارکت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانوار، متغیرهای معرف پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده را می‌توان به‌عنوان شاخص مشارکت جوانان پیشنهاد داد. از جمله نرخ اشتغال والدین، میانگین سال‌های تحصیلی والدین و میزان درآمد خانواده.

۶- با توجه به وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین میزان بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله و اینترنت، متغیرهای میزان دسترسی یا استفاده از امکانات مذکور را می‌توان به‌عنوان شاخص مشارکت جوانان پیشنهاد داد. مانند: ضریب نفوذ امواج رادیو و تلویزیون، سرانه ساعتی که در پای رادیو یا تلویزیون سپری می‌شود. سرانه زمانی که صرف مطالعه روزنامه و مجله می‌شود و سرانه دسترسی و استفاده از اینترنت.

۷- بین عامل محیط و مشارکت جوانان رابطه‌ی معنادار و مستقیمی برقرار بوده است. به‌طوری‌که وجود تشکله‌ها، سازمان‌ها و نهادهای گروهی، سازمان‌های غیردولتی و احزاب سیاسی یا غیرسیاسی، میزان عضویت و فعالیت افراد در این گروه‌ها بر میزان مشارکت جوانان تأثیر مستقیم دارند. بنابراین می‌توان از شاخص‌هایی که نشان‌دهنده‌ی وضعیت متغیر محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هستند به‌عنوان شاخص مشارکت استفاده کرد، از جمله: سرانه احزاب سیاسی، گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌های غیردولتی و اصناف، نسبت سازمان‌های غیردولتی به کل، نسبت عضویت افراد در سازمان‌ها و تشکلهای گروهی، میانگین عضویت افراد در تشکلهای گروهی و ...

۸- بین وجود امکانات و خدمات و سطح دسترسی به آنها با مشارکت جوانان رابطه وجود داشته است. بنابراین شاخص‌های معرف وجود امکانات اجتماعی و فرهنگی می‌توانند به‌عنوان شاخص مشارکت به‌کار گرفته شوند. مثلاً سرانه سینما، خانه‌های فرهنگ، سالن‌های ورزشی، کتابخانه، مراکز مذهبی، و نسبت عضویت در کتابخانه، سرانه شرکت در آموزشگاه‌ها و ...

۹- با توجه به وجود رابطه بین سطح شناخت و نگرش جوانان به مشارکت و مشارکت آنان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، شاخص‌های نشان‌دهنده‌ی سطح شناخت و نوع نگرش جوانان به مشارکت می‌تواند به‌عنوان شاخص مشارکت مورد استفاده قرار گیرند، از جمله: سرانه

شرکت در انتخابات، نسبت شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه و خیرخواهانه و تعداد عضویت در سازمان‌های اجتماعی، فرهنگی و سازمان‌های غیردولتی. بین انگیزه و مشارکت جوانان نیز رابطه معنادار و مستقیمی وجود داشته است. بنابراین شاخص‌های معرف انگیزه جوانان می‌توانند به‌عنوان شاخص مشارکت استفاده شوند. مانند میزان عضویت در سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی داوطلبانه، میزان شرکت در مراسم و آیین‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی و نسبت شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه در مواقع لزوم و ... .

### منابع فارسی

- اتکینسون، آ. (۱۳۷۸). زمینه روانشناسی. ترجمه: محمد نقی براهنی. تهران: انتشارات رشد.
- بازرگان، ع؛ سرمد، ز. و حجازی، ا. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران. تهران: نشر علوم نوین.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۷). مشارکت، رقابت و توسعه سیاسی. مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، تهران: نشر سفیر.
- بیرو، آ. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- پای، ل. و دیگران. (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. ترجمه: غلامرضا خواجه سروی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- تری، ا. (۱۳۶۲). جوامع مبتنی بر تیره و طایفه. ترجمه: عباس زاده. تهران: نشر آگاه.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جمعه‌پور، م. (۱۳۸۴). بررسی و تدوین شاخص‌های مشارکت جوانان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. تهران: سازمان ملی جوانان.
- جمعه‌پور، م. (۱۳۷۸). فرایند توسعه پایدار و نقش مشارکت مردمی در مدیریت و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی. مجموعه مقالات همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه. تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- جورج، ر. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه: احمدرضا غروی راد. ماجد.

- دال، ر. آ. (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست. ترجمه: حسین مظفریان. تهران: مظفریان.
- راش، م. (۱۳۸۰). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت.
- رفیع پور، ف. (۱۳۷۸). آناطومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روشه، گ. (۱۳۶۷). کنش اجتماعی. ترجمه: هما زنجانی زاده. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ریترز، ج. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی. ترجمه: احمدرضا غروی زاده. تهران: انتشارات ماجد.
- زاهدی، م. ج. (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری. تهران: انتشارات مازیار.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). گزارش ملی جوانان، وضعیت جمعیتی جوانان. تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- صفی نژاد، ج. (۱۳۶۸). نظام‌های آبیاری سنتی در ایران. جلد اول. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- علوی تبار، ع. ر. (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها. انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- فرهادی، م. (۱۳۷۳). فرهنگ یاریگری در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فرهادی، م. (۷۲-۱۳۷۱). بنه‌شناسی. فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، علامه طباطبایی، دوره اول، ش ۴ و ۳.
- قائم‌ی، ع. (۱۳۶۴). شناخت هدایت و تربیت جوانان و نوجوانان. تهران: انتشارات امیری.
- کمالی، ع. ا. (۱۳۷۴). بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- گورویچ، ژ. (۱۳۵۷). مطالعاتی در باره طبقات اجتماعی. ترجمه: باقر پرهام. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- محسنی، م. (۱۳۷۳). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی\_ فرهنگی در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هانتینگتون، س. (۱۳۷۵). سامان سیاسی در جهان در حال تحول. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر علم.

## منابع انگلیسی

- Amy.s. patterson, (2000). **The Dynamic Nature of citizenship and participation**: Lessons from three rural Senegalese case, study, Africa today Volume 46 Number1, Www. Copyright, COM.
- Cloes boo. (1995). **youth & social policy: youth citizenship & young careers**, UCL press, London.
- Dows R. E. & Hughe J. A. (1979). **Political Sociology**, Johnwilly and LTD.
- Economic & social commission for Asia and the pacific (ESCAP). (1981). **Guide lines for national youth policies in the pacific countries**.
- Jones, G. & wallece, C. (1992). **youth, family & citizenship**, Open University press jouhansbourg.
- Garcia, M. S. (1970). **Social Capital, Network and Economic Development: An analysis of regional productive systems**. Edward Elgar Publishing Limited. UK.
- Habermas, J. (1979). **Communication and the evolution of society**, translator by Thomas McCarty, Beacon press.
- Hamilton, P. (1983). **Talcott Parsons**, Routledge, London.
- Macdonald, L. (2000). **Citizenship participation & the public sphere** in the Americas Carleton University.
- Marger, M. N. (1981). **Elites and masses an introduction to political sociology**, Hardcover.
- Milberath, L. W. & Goel, M. L. (1997). **Political participation**, Chicago, Ran McNally.
- Ritzier, G. (1983). **Sociological Theory**, Mc Graw Hill.
- Burne, Swin. (2001). **Community participation and planning** in surf coast institute for social research.